

تحلیلی پیرامون شبهای قدر

جعفر وفا

پژوهشگر و کادر علمی دانشگاه امام حسین (ع)

روزها و شبها، بستر رخدادها هستند. طلوع و غروب و قایع، در بخشی از زمان صورت می‌بندد و زمان و لحظه‌ها، هفته‌ها و ماه‌ها، و سال و قرن‌ها، مخلوق خدا، مولود طبیعت، مرهون نظام جاری و حرکات موزون عالم است و به ظاهر هیچ فرقی میان آنها نیست. ولی قرآن کریم، همه ایام را یکسان نمی‌بیند. برخی از آنها را ایام مبارک و مقدس می‌داند که ماه رمضان و شبهای قدر از جمله آنهاست.

در منظر قرآن، شب قدر، شب با ارزش و پر فضیلت، و با امور با عظمتی همراه است؛ همانند نزول احمالی قرآن، پیدایش افاضات باطنی و فضای خاص معنوی، تقدیر و تعیین سرنوشتها، تدبیر و برنامه ریزی‌های جدید و نزول جبرئیل و فرشته‌ها.

عبادت در آن شب، بالغ بر هشتاد سال ارزش دارد و قابل قیاس با سایر شبها نیست. در چنین شبی خداوند بال رحمت می‌گشاید و بندگان خود را در رواق آن می‌نشانند و مؤمنان و عبادتگران را مشمول رحمت خاص می‌سازد.

شب قدر، قدر و قیمت بی‌شمار دارد. در کلمات محدود نمی‌گنجد و کند و کاو مضاعف می‌طلبد تا در این باره به سئوالات مهمی پاسخ دهد از قبیل اینکه:

فلسفه و جردی شب قدر چیست و چرا قدر نامیده می‌شود. و چه ویژگیهایی دارد؟ آیا شب قدر پیش از اسلام نیز بوده است و آیا تنها یک بار اتفاق افتاده یا هر سال تکرار

می‌شود؟ ارزش عبادی آن چقدر است؟ در آن شب فرشته‌ها و روح الامین به چه کسی و به چه هدفی نازل می‌شوند؟ اصولاً چه اعمالی در آن شب توصیه شده و پیشوایان دینی چه سیره‌ای در آن داشته‌اند و آیا شب قدر، در قالب غیبی هم قابل تفسیر است؟

واژه‌شناسی قدر

قدر در لغت به معنای اندازه کردن، مقدر ساختن، قرار دادن چیزی به تعداد مخصوص و به شکل و شیوه مخصوص است. همچنین به معنای تعدیل کردن، به مقدار معینی قرار دادن، تقدیر و تدبیر امور خلقت، حکم و قضا و به مفهوم اندازه معین طبق مصلحت و به مقتضای حکمت است. پس شب قدر یعنی شب مخصوص رقم زدن سرنوشت انسان و برنامه ریزی کردن.^۱ به همین جهت آن را شب قدر می‌نامند؛ چون خداوند آنچه را در طول سال انجام خواهد گرفت، در آن شب، تقدیر و تعیین می‌کند، همانند حیات و مرگ، خیر و شر، طاعت و عصیان، سعادت و شقاوت، توسعه و تنگی رزق و معیشت^۲ و... و این گفتار، عصاره و مضمون آیه چهارم دخان است که به صراحت بیان شده است:

«فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ»

در آن شب هر امری براساس حکمت (الهی) تدبیر و جدا می‌گردد.

فلسفه وجودی شب قدر

رسم دیرینه دولت‌ها است که در مجالس قانونگذاری و تصمیم‌گیری، بودجه و برنامه‌های اقتصادی را به مدت یکسال تعیین می‌کنند تا با طرح و تدبیر معین حرکت کنند و در مدار ثابت قرار گیرند. گویی این رسم، از نظامی برگرفته شده که در سراسر هستی جاری است. خداوند برنامه هر کسی را به تناسب شأن و شوکت و استعداد و صلاحیت خویش، در شب قدر تدبیر و تعیین می‌کند و فلسفه وجودی شب قدر هم، همین است. زیرا ملتهای فاقد برنامه منظم و تقدیر و تدبیر ثابت، همیشه متزلزل‌اند، و ثبات ندارند و مدتها به دور خود می‌چرخند و ره به جایی نمی‌برند و به کمال و پیشرفت مطلوب، راه نمی‌یابند.

نظر به ضرورت برنامه ریزی است که خداوند در مقطع خاص و مبارکی، با تلاش و اراده خود افراد، برای آنها، برنامه ریزی می‌کند. تا در چارچوب آن حرکت کنند. تاریخ و

تجربه، به خوبی نشان داده است که جهشهای نابهنگام، و پیشرفتهای غیرمنتظره و پیش از مقتضای زمان، در پرتو انوار لیلۃ القدرها و الهامات غیبی بوده است که در تاریکترین زمان، برای اولیاء خدا و پیامبران میسر شده است.

پیدایش و پیشرفت حیرت‌انگیز آیین اسلام، در تاریکی جاهلیت عرب، در لیلۃ القدر درخشید و یک شبه راه هزار ماهه پیمود.^۳

پس فلسفه وجودی شب قدر این است که خداوند متعال می‌خواهد انسان‌ها به ویژه مسلمانان، به سبب محبوبیتشان در نزد خدا، خود در این شب تعیین سرنوشت و زمان تدبیر و برنامه‌ریزی، نقش لازم را در تعیین مقدرات خویش ایفا کنند.

همچنین از انسانها، سلب اختیار نشود و از شب قدر و تعیین تقدیر، بوی جبر نیاید و بشر راه جبر نمی‌پیماید؛ زیرا تقدیر هیچ‌گونه تضادی با آزادی اراده انسان و مسأله اختیار ندارد، چرا که تقدیر الهی به وسیله فرشتگان بر طبق شایستگیها و لیاقتهای افراد و میزان ایمان و تقوا و پاکی نیت و اعمال آنهاست؛ یعنی برای هر کس آن مقدر می‌کنند که لایق آن است، یا به تعبیر دیگر زمینه‌هایش از ناحیه خود او فراهم شده باشد، و این نه تنها منافاتی با اختیار ندارد بلکه تأکیدی بر آن است.^۴

۱. ویژگیهای شب قدر

قرآن برای شب قدر، ویژگیها و برجستگیهای قائل است که آن را از دیگر شبها ممتاز می‌کند و ما به بیان گذرای هر یک از آنها می‌پردازیم:

۱. نزول قرآن: بدون تردید قرآن در شب قدر نازل شده است:

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ (قدر: ۱)

و بدون شک، شب قدر در ماه رمضان قرار دارد:

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ (بقره: ۱۸۵)

از بافت و پیوست این دو آیه برمی‌آید که اولاً شب قدر به یقین یکی از شبهای ماه مبارک رمضان است. ثانیاً مجموع قرآن در آن نازل شده است نه جزئی از آن و نه آیات آغازین آن. که برخی بر آن و برخی بر این، نظر، اصرار می‌ورزند.

تأکید بر این نکته ضروری است که نزول همه قرآن، در شب قدر، منافاتی با نزول تدریجی آن در طول بیست و سه سال دوران رسالت ندارد.

زیرا خود قرآن شاهد صادق است که آیات آن دو بار و به دو شکل نازل شده است: الف - نزول دفعی و یکباره در ماه رمضان و در شب قدر به صورت نور، و بسیط و بسته و به دور از قالب مادی و حروف و کلمات. و به دیگر بیان، به صورت اجمال و فشرده و فهرست‌وار.

ب - نزول تدریجی، تفصیلی و به صورت باز و گسترده و به مقتضای زمینه و زمان و رویداد خاص. این مطلب به دو دلیل قابل اثبات است:

نخست: دلالت قرآن: برخی از آیات بر این دو نزول دلالت روشنی دارد:

كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ. (فصلت: ۲)

کتابی است که آیات آن استوار گشته (و به هم پیوسته) سپس از جانب خدای حکیم و آگاه تفصیل داده شده است.

این آیه، از نزول اول به عنوان نزول تحکیم یافته و استوار و به هم پیوسته (=أحکمت) و از نزول دوم - که با تأخیر و فاصله زیادی از نزول اول صورت گرفته با کلمه «فُصِّلَتْ» (= تفصیل داده شده) تعبیر می‌کند.

دلیل دوم استفاده از کلمه نزول و تنزیل است که اولی در نزول دفعی و دومی در تدریجی کاربرد دارد.^۵

۲. برتری شب قدر

از آنجا که خداوند می‌خواهد مقامات معنوی مؤمنان را بالا ببرد، موقعیت خاصی را تمهید، و مقطعی از زمان را معین کرده است تا آنان، با اعمال صالح در آن شب، چندین برابر ارزش بیابند به سان برخی از حاکمان دلسوز اسلامی که در مناسبت‌های خاصی چون عید غدیر، عید فطر، میلاد نبوی و نیمه شعبان و سیزده رجب و... تعدادی از مجرمان و زندانیان را مورد عفو قرار داده، و زمینه آزادی برخی را فراهم می‌آورند. این حقیقت در گفتار پیشوایان دینی نیز انعکاس یافته است:

یکی از شاگردان امام ششم (ع) به نام حمران می‌گوید: به حضرت صادق (ع) گفتم: مقصود خداوند از اینکه فرموده: شب قدر بهتر از هزار ماه است چیست؟ فرمود: عمل صالح همچون نماز و زکات و انواع کارهای خیر در آن شب بهتر است از همان اعمال در هزار ماهی که در آن، شب قدر نباشد.

و اگر خداوند جزای اعمال خیر مؤمنان را چندین برابر نمی‌کرد، آنان به جایی نمی‌رسیدند، ولی خدای متعال، پاداش حسنات را برای آنها، چندین برابر بالا می‌برد (تا در قیامت به چشمه‌سار سعادت رهنمون شوند).^۶

اگر کسی در چنین شبی، دست به دعا بردارد، گویا بیش از هشتاد سال در حال دعا بوده است و خدا دست ردّ به سینه چنین کسی نمی‌زند، و از درگاه خویش ناامید نمی‌کند.
راز خفای شب قدر

ارزش فوق العاده عبادت در شب قدر، این شب را همچنان در میان شبهای ماه مبارک رمضان مخفی و ناشناخته نگه داشته است؛ بدین جهت که مردم به همه این شبها اهمیت دهند. چنانکه خداوند رضای خود را در میان انواع طاعات پنهان کرده تا مردم به همه طاعات روی آورند و غضبش را در میان معاصی پنهان کرده تا از همه پرهیزند، دوستانش را در میان مردم مخفی کرده تا همه را احترام کنند، اجابت را در میان دعاها پنهان کرده تا به همه دعاها روی آورند، اسم اعظم را در میان اسمائش مخفی ساخته تا همه را بزرگ دارند، و وقت مرگ را سخفی ساخته تا در همه حال آماده باشند.^۷ البته این سخن بدین معنا نیست که حضرات معصومین (ع) و اولیاء خاص خدا، شب قدر را نمی‌دانستند. بلکه آن را به یقین می‌شناختند ولی آن را به عمد و از روی مصلحت فاش نمی‌ساختند.

آن که را اسرار حق آموختند مَهر کردند و دهانش دوختند

آنچه مؤید این معناست، گفتار صریح پیشوایان معصوم (ع) است که مجموع آنها نشان می‌دهد که فرشتگان در شبهای قدر به خدمت آنان مشرف می‌شدند. برای نمونه، کسی از امام باقر (ع) پرسید: آیا شما می‌دانید شب قدر کدام شب است؟ فرمود:

«کیف لا نعرف و الملائكة تطوف بنا فيها»^۸

چگونه ندی دانیم در حالی که فرشتگان در آن شب به گرد ما دور می‌زنند!

۳. نزول فرشتگان

سومین ویژگی شب قدر، فرود آمدن جبرئیل و انبوهی از فرشتگان آسمان، برای تعیین سرنوشت همراه با خیر و برکت معنوی است.

مضارع بودن فعل «تنزل» حاکی از استمرار نزول فرشته هاست آنها تنها یک بار نازل

نمی‌شوند و یک بار هم به آسمان صعود نکنند، بلکه این نزول و صعود پیوسته از آغاز شب تا طلوع فجر ادامه دارد.

فضای آن شب، فضای ملکوتی و سراپا معنویت و نشانه گسترش رحمت خاص الهی در آن ساعات است. ابن عباس از پیامبر اسلام (ص) نقل می‌کند که فرمود:

هنگامی که شب قدر می‌شود، فرشتگان بال گستر «سدرۃ المنتهی» که جبرئیل یکی از آنهاست فرود می‌آیند در حالی که جبرئیل با پرچمهایی می‌آید؛ یکی از آنها را بالای قبر من و پرچمی را بر بالای بیت المقدس و پرچمی را در مسجد الحرام و پرچمی را بر طور سینا نصب می‌کند و هیچ مؤمن و مؤمنه‌ای در مکانی نمی‌ماند مگر جبرئیل به وی سلام می‌کند مگر گروههای خاصی همانند شراب خوار و...^۹

مقام فرود فرشته‌ها: همگان شایستگی پذیرش فرشتگان را ندارند و آنان بر هر قلبی فرود نمی‌آیند؛ تربیت دینی، معنویت عالی و ظرفیت معنوی می‌خواهد تا زمینه نزول ملائک فراهم آید. از همین رو، امام زمان (ع) که به عنوان حجت ثابت خدا بر خلق در میان بندگان و دین باوران حضور دارد، فرشته‌های آسمان نیز، در حقیقت به عنوان شاهد امت و به عنوان مرجع و ملجأ مردم و به نیابت از همه، به خدمت حضرتش مشرف می‌شوند. چنانکه در متون روایی منعکس شده است که حضرت فرمود:

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَرُوحُ الْقُدُسِ، عَلَى إِمَامِ زَمَانٍ وَ يَرْفَعُونَ إِلَيْهِ مَا قَدْ كَتَبُوهُ»^{۱۰}

(در شب قدر) فرشتگان و روح القدس، بر امام زمان (ع) فرود می‌آیند و آنچه (از اعمال مردم) نوشته‌اند به او تحویل می‌دهند.

امام زمان (ع) اسوه و سرمشق مردم و ناظر بر اعمال پیروان خویش است و باید از محتوای پرونده و برنامه یکایک آنان باخبر شود، زیرا که در میان روحهای تربیت یافته و خود ساخته، شخصیت معنوی امام (ع) است که به سرچشمه وحی و الهام، نزدیک‌تر و نخستین گیرنده امواج آیات الهی است و باید راه و روش امت و سعادت و شقاوت و عزت و ذلت آنها را در دستور کار ولایی خود داشته باشد.^{۱۱} و مؤمنان در پرتو ولایت آن کعبه دل‌ها ظرفیت معنوی به یابند و در پیشگاه خدا، به چنان مقام قرب نائل آیند که در شب قدر فرشته‌ها پیوسته بر آنان فرود آیند و این نشانه عظمت امت محمد (ص) است. فرشته‌ها، روزی بر ابراهیم خلیل، نازل می‌شوند و بر او سلام می‌دهند و شبی هم بر این امت فرود

می‌آیند. فرشتگان روزی بال بر آتش ابراهیمی می‌گسترند و آن را به چمن سرد و سبز تبدیل می‌کنند. به امید روزی که بانزول آنان در شب قدر، آتش دوزخ بر مؤمنان نیز «برد و سلام» و مایهٔ سالم و سلامتی گردد.^{۱۲}

۴. صفا و سلامتی

شب قدر، شب تقدیر است و تعیین سرنوشت یکساله و لحظات سرنوشت ساز؛ لحظات حساس و اضطراب‌آمیز؛ از این رو باید آن را شب دلهره دانست، ولی قرآن، سلم و سلامتی را از ویژگیهای دیگر آن شب می‌داند و آن را شبی سراسر سلامت معرفی می‌کند؛ زیرا تعیین مقدرات برای انسان وقتی خطرناک و نگران‌کننده است که آدمی زمان آن را نداند، و مهم‌تر آنکه، خود وی در تغییر سرنوشتش نقشی ایفا نکند؛ ولی خداوند از سه جهت بشر را در رقم خوردن سرنوشتش سهیم و شریک کرده است.

الف - نخست زمان برنامه ریزی و تقدیر را معین کرده و آن را به همگان اعلام داشته است: شب قدر در قلمرو ماه رمضان است و مفسران واقعی قرآن و سخن‌گویان رسمی خدا یعنی پیشوایان معصوم (ع) محدودۀ آن را تنگ‌تر کرده و یکی از شبهای سه‌گانه ۱۹، ۲۱ و ۲۳ رمضان را شب قدر اعلام کردند تا با گرامی داشت و حریم‌بندی هر سه شب سرنوشت و برنامه‌های خداپسند تعیین شود. و جالب آن که خود قرآن، ساعات آن را نیز مابین آغاز شب تا طلوع فجر صادق تعیین نموده است.

ب - افزون بر تعیین زمان، ارزش معنوی آن را نیز تبیین و تصریح نموده است که آن شب، بیش از هزار ماه، ارزش عبادی دارد و عظمت آن را با جمله استفهامیه و در قالب اسم ظاهر و نه ضمیر و با سه نوبت تکرار، یادآور شده است: و ما ادریک ما لیلۃ القدر؟ و تو چه دانی شب قدر چیست؟

ج - افزون بر آنها، خداوند در تعیین سرنوشت بشر، به او حق «و تو» داده و پرونده را از سوی خودش و صاحب سرنوشت، مختومه اعلام نکرده بلکه همچنان بازگذاشته و سرنوشت را به صورت مشروط قابل تغییر اعلام داشته است و هرکس می‌تواند به وسیلهٔ توبه و زاری و اطاعت و عبادت و شب زنده داری، در سرنوشت و مقدرات خود اثر مستقیم بگذارد. پس خطر و نگرانی مزبور بر طرف می‌شود و این همان سلامت شب قدر است.^{۱۳}

تکرار و استمرار شب قدر

گرچه قرآن یک بار در شب قدر نازل شده ولی خود شب قدر، هر سال تکرار می شود و ارزش معنوی آن نیز همچنان استمرار دارد، بدین دلیل که چون تداوم لیلۃ القدر، نشانه تداوم خط امامت بوده، پیوند خاص معنوی میان آن دو حاکم است؛ و یکی از دلایل استوار، که در روایات شیعه برای واجب بودن وجود حجت و حیات و حضور شخص امام معصوم (ع) در هر زمان آمده، بقا و استمرار لیلۃ القدر است. زیرا تقدیر و امور آن شب، باید به امام زمان (ع) نازل شود و برنامه ها و مقدرات به توشیح و تصویب مبارک حضرتش برسد و گرنه در مدار ملکوت جریان نمی یابد و به رسمیت شناخته نمی شود. چراکه وجود امام معصوم (ع) مجرای امور عالم تکوین است.

ثانیا: روایات اهل بیت (ع) مؤید این حقیقت است، چنان که امام باقر (ع) فرمود:

ای شیعیان ما! (برای رقیبان خود) با سوره انا انزلنا احتجاج کنید) با این سوره برای اثبات امامت پیشوای معصوم استدلال نمایید) تا پیروز و سربلند شوید. به خدا سوگند، این سوره بعد از رسول خدا (ص)، حجت خدا بر خلق و سرور دین شما و فرجام چیزی است که ما می دانیم.^{۱۴}

در حدیث دیگری از امام سجاد (ع)، این موضوع بدین صورت مطرح شده است:

«هنگامی که پیامبر اسلام (ص) از دنیا رفت، اهل خلاف گفتند: با رفتن رسول خدا (ص) لیلۃ القدر نیز از میان رفت. این فتنه ای بود که آنان دچار شدند و با این نظر جاهلانه به عقب برگشتند. زیرا اگر می گفتند که لیلۃ القدر از میان نرفته، پس باید اقرار نموده باشند که خدا را در آن اراده و امری است و باید برای آن صاحبی باشد.»^{۱۵}

افزون بر آنها، برخی از روایات ما، بر تداوم شب قدر تصریح دارد؛ برای نمونه: مردی از امام صادق (ع) پرسید: مرا آگاه کن که آیا شب قدر تنها در گذشته بوده یا هر سال پدید می آید، فرمود:

«اگر لیلۃ القدر، برداشته شده بود قرآن هم برداشته می شد.»^{۱۶}

پس آنچه همه روایات مختلف وارده از ائمه اهل البیت (ع) در آن اتفاق نظر دارند این است که شب قدر تا روز قیامت جاری و باقی است و همه ساله تکرار می شود.

از آنچه گفتیم پاسخ سؤال دوم نیز روشن شد که می‌پرسند آیا پیش از اسلام نیز شب قدری بوده است یا مخصوص امت اسلام است؟

با این توضیح که با دقت در روایات یاد شده و آیات سوره قدر بر می‌آید که از روزی که نوع آدمی مستعد فرا گرفتن شریعت آسمانی گردید و به رشد و بلوغ فکری رسید و پیامبران در میان آنها، برانگیخته شدند، لیلۃ القدری داشتند که اصول معارف و شرایع در آن شب مقدر می‌شده است.^{۱۷}

دلیل چهارم بر تداوم شب قدر، به کار رفتن فعل مضارع در مقام معرفی آن است، همانند: «فیها یفرق کل امر حکیم» در سوره دخان، و «تنزل الملائکة» در سوره قدر، و فعل مضارع هم برای استمرار است. صاحب المیزان در این باره می‌فرماید:

اخبار اهل بیت اتفاق نظر دارند که شب قدر در هر سال تکرار می‌شود و تداوم آن، تا روز قیامت استمرار خواهد یافت.^{۱۸}

شب قدر در ورائی واژه‌ها

متخصصان مجرب، از یک نوع خاک، چندین نوع مواد معدنی استخراج می‌کنند، و گاه به حقایقی بر می‌خورند که حتی ظاهر خاک، نشانی از آنها ندارد. پیشوایان معصوم (ع) نیز از یک آیه قرآن، به حقایق تازه‌ای می‌رسند که برای دانشوران و اندیشمندان اسلامی به آسانی قابل درک و تحلیل نیست. و سوره قدر از این دست در حساب است. آنان در ورائی واژه‌های ظاهری این سوره، واقعیت‌هایی را به تصویر می‌کشند که فهم آنها، تنها پس از دقت و تدبیر زیاد، بر افراد میسور می‌شود و پیوند آنها با کلمه‌ها و آیه‌ها، معلوم می‌گردد؛ از روایاتی که در این مورد وارد شده بر می‌آید که سوره قدر بر دو محور دور می‌زند:

وجود فاطمه زهرا (س) و مهدی موعود (ع) با این تأویل سوره، تفسیر غیبی می‌یابد و معلوم می‌گردد که مقصود از «شب قدر»، حضرت فاطمه (س) است و مردم عوام اندیش و سطحی نگر چه می‌دانند که فاطمه چیست؟ قدر و قیمتش چیست؟ (= و ما ادریک مال لیلۃ القدر) آری او گوهر آسمانی است و حقیقت آن برتر از ادراک عموم است.

چه کسی می‌تواند در میان شبهای یک سال، شب قدر را دریابد؟ آن که از درک و دریافت قدر و قیمت شب قدر - که یک پدیده مادی است - ناتوان است چگونه می‌تواند

وجود مبارک زهره عالم و راز آفرینش و فلسفه خلقت را دریابد و جودی که با نور خدا درآمیخته و نورش اولین مخلوق عالم است؟^{۱۹}

با نظر به این راز مهم است که امام صادق (ع) میان شب قدر و وجود فاطمه پیوند خاصی ایجاد کرد و فرمود:

من ادرك فاطمة حق معرفتها فقد ادرك ليلة القدر^{۲۰}

هرکس حقیقت فاطمه را دریابد و او را کامل بشناسد، به حق شب قدر را دریافته است.

جز معصومین (ع) کسی نمی تواند به قطع و یقین از شب قدر، آگاهی یابد. و کسی جز آنان، نمی تواند کرانه های هستی فاطمه را ادراک کند.

وجود پر برکتی که عبادت یک شب او برتر از عبادت هزار ماه دیگران است. «ليلة القدر خیر من الف شهر» کسی که فرشتگان و روح و جبرئیل پیوسته بر او فرود می آیند و اخبار آینده و آیندگان را به او گزارش می دهند «تنزل الملائكة والروح فيها باذن ربهم من کل امر» که این اخبار در مجموعه ای به نام «مصحف فاطمه» گردآوری و به رسم امانت به دست امام زمان سپرده شده است.^{۲۱}

آری فاطمه که سلام و صلوات خدا بر او باد، چون شب قدر ناشناخته ماند و ظلم زمانه جهان را بر او به ظلمتکده تبدیل کرد که گویا در دل شب برآمد و در دل شب به غروب نشست و شبانه رخت بر بست و قبرش نیز چون قدرش همچنان ناشناخته ماند. «سلام هی» یعنی او در سلامت و امنیت دائمی است؛ یعنی با این همه، باز کیان و شخصیت الهی او در سلم و سلامتی باقی می ماند و مصون از وقوع آفتها و آسیبها و این سلامتی، پیوسته و از بدو وجود تا ظهور فرزند انتقامگر و تا سپیده صبح صادق استمرار خواهد یافت. «حتی مطلع الفجر».

فلسفه تشبیه

شاید راز تشبیه فاطمه (س) به «ليلة القدر»، پنهانی و در پرده بودن معرفت و شناخت مردم نسبت به آن حضرت باشد؛ مثل پنهان بودن شب قدر، و به همین دلیل، آن را در آیه بادو حرف استفهام آورده و فرموده است:

«وَمَا أَدْرِيكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» تا بزرگی شأن و قدر آن را بفهماند یا عاجز بودن شناخت آن را برای غیر معصومین (ع) ثابت کند؛ زیرا شب قدر را غیر از معصومین (ع) نمی شناسند. و یا مقصود این است که هر کس فاطمه (ع) را آنگونه که سزاوار است بشناسد و به حقیقت معرفت او پی ببرد، پرده از مقابل چشمان او کنار می رود و جلالت و عظمت آن حضرت و فرود آمدن فرشتگان را به محضر او را می بیند، به طوری که به شب قدر بودن آن یقین پیدا می کند و در حقیقت درک شب قدر همین است.^{۲۲}

و یا مقصود این است که چنان که شناخت شب قدر و درک حقیقی آن، نیازمند معنویت خاصی است و اگر انسان شب قدر را درک نمود، همه ملائکه آسمان بر قلبش فرود می آیند. درک و دریافت شخصیت آسمانی حضرت فاطمه (س) نیز معرفت خاصی می طلبد و اگر حاصل شود مایه و منبع خیر و برکت معنوی می شود؛ چرا که او روح پنهان و پر ظرفیتی است که رسیدن به جوهر آن آمادگی خاصی می خواهد.

زیر رواق شب قدر

عظمت شب قدر به قدر ضرورت و ظرفیت بیان شد و حال سخن از تکلیف و برنامه های عملی در شب قدر است؛ شبی که نفعات معنوی به صورت استثنایی پدید آمده و باید آن را غنیمت شمرد و به توان قدر سود جست. پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ؛ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا» (۲۱/۵)

خدا را در امتداد ایام، نسیم های خاص معنوی است به هوش باشید و خود را در معرض آنها قرار دهید.

وظایف ما در این ایام باید در ابعاد فردی و اجتماعی صورت پذیرد و عمدتاً باید در سه محور مهم انجام وظیفه کنیم: خود سازی، رذیلت زدایی و اصلاحات اجتماعی.

۱. خودسازی

در خودسازی اولین گام موفق شدن به شرح صدر است.

جان آدمی چون جهان طبیعت است؛ مواد این جهان، تا شکافته و منسرح نگردد، برکت آن، ظاهر نمی شود، هسته خرما تا به هم بسته است، شاخه و برگ و ساقه و میوه ای ندارد، ولی همین که شکفته شد، به درخت پرگل و با شاخ و برگ و میوه بسیار تبدیل می شود.

زمین بر اثر سرمای زمستان، افسرده و خشک و بی‌روح و بی‌فروغ گشته است، اما پس از بارش باران و تابش آفتاب و نسیم بهاری، سینه‌اش شکافته می‌شود و از خاک و چمنزارش و حتی از سنگ و صخره هایش چشمه‌ها و جویبارها جاری می‌شود و از هر توده خاکش مرغزار می‌دمد و در هر قدمش نعمتی جلوه می‌کند.

روح آدمی نیز تا گرفته و در هم است نه می‌تواند خیری بگیرد و نه مطلع خیری شود. نه توان دارد حقیقتی را بیان کند و نه حقیقتی را دریابد. ولی از زمانی که به شرح صدر توفیق یابد، می‌تواند هم خوب بیندیشد و بفهمد، هم خوب بیان کند و هم خوب عمل کند و هم دیگران را به خوبی هدایت نماید. روح ملکوتی انسان چون پرنده بوسستان، تا بال و پر نگشاید توان پرواز نمی‌یابد. پس قدم نخست در اقدام به خودسازی، نیل به شرح صدر و موفقیت در انبساط و جنبش درونی و روحی است.^{۲۳} بدین جهت خداوند در مقام امتنان و شمارش نعمتهای خویش در خصوص رسول خدا(ص)، نخست نعمت مهم «شرح صدر» را یادآور می‌گردد و در قالب استفهام تقریری بیان می‌دارد که:

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ (اشراح: ۱)

آیا ما سینه تو را گشاده نساختم؟

صعود به این قله عظیم الهی، شرایطی می‌طلبد که ما تنها به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: الف - مشارطه و پیمان با خویشان بر بندگی خالصانه خدا و رهایی از بندگی شیطان؛

أَلَمْ أَعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (یس: ۶۰)

آیا با شما عهد نکردم ای فرزندان آدم که شیطان را نپرستید که برای شما دشمن آشکار است؟

ب - برنامه‌ریزی به تناسب استعداد، وقت و توانایی فکری و جسمی؛ چرا که ایام مبارک و شبهای قدر برای تقدیر و تنظیم برنامه ریزی نوین است.

ج - دعا و نیایش؛ انس و الفت با دعا و به دست آوردن، روح نیایش و زمزمه و راز و نیاز با خدا از راه خواندن دعاهای مأثور همانند ابو حمزه ثمالی و مانند آن.

دعا اعلان نیاز است و التماس از رب بی‌نیاز و متوجه ساختن مدعو به سوی نیایشگر: اعلان نیاز، خود، نهایت تواضع و ذلت و بندگی نسبت به خداوند است. و این عمل،

رضایت خدا را جلب می‌کند و سبب نزول خیرات و برکات و سرانجام موجب نیل به مقام رضوان الهی می‌گردد. این حقیقت را از زبان وحی بشنویم که فرمود:

قُلْ مَا يَتَّبِعُكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (فرقان: ۷۷)

بگو اگر دعا و راز و نیاز شما نباشد، پروردگار من به شما اعتنایی نمی‌کند.

تا نگرید اسر، کی خندد چمن؟ تا نگرید طفل، کی جوشد لبن؟

به ویژه در شبهای احتمالی قدر، باید بیشتر از هر زمان دست به دعا برداشت و در خلوت دل، با خدا آشتی نمود. و این سیره ثابت عالمان بزرگ شیعه بوده است آنها که از مکتب اهل بیت (ع) الهام گرفته‌اند، شبهای قدر را بهترین بستر برای دعا و عبادت می‌دانستند.

دعای مقبول:

استجاب دعا دو شرط عمده دارد که با تحقق آنها، دعا در پیش خدا مقبول می‌افتد:

و اذا سألك عبادي عني فاني قريب اجيب دعوة الداع اذا دعان» (بقره: ۱۸۶)

و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند. (بگو) من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم.

در این آیه دو شرط اصلی اجابت دعا آمده است:

اول: دعاکننده: حقیقتاً دعا کند و به صورت جدی از خدا بخواهد و نه صورتی از دعا باشد و لقلقه زبان: (دعوی الداع)

دوم: فقط خدا را بخواند و از او درخواست کند نه از غیر او. یعنی از علایق غیر خدا قطع کند و خیال نکند که مستقلاً از وسایط، کاری ساخته است و اگر به اسباب خارجی اعتماد کند، از خدا نخواسته است. (اذا دعان) = دعانی

اگر این دو شرط که از «دعا» و «نی» استفاده می‌شود تحقق یافت، دعا به هدف رسیده و مردود نخواهد شد، مانند دعای بیماری که دستش از پزشک و دار و کوتاه شده و قلبش از علل مادی و طبیعی مأیوس گشته و مضطرب شود، اما باید توجه به وسایط نداشته باشد، و گر نه مضطرب نخواهد بود و دعا از او محقق نخواهد شد. ۲۴

اسوه‌های فتنی و عرفانی شیعه و شیفتگان سلوک و عرفان در همه حال دست به دعا برمی‌داشتند به ویژه در ایام قدر به دعا و نیایش سفارش مؤکد داشتند. سالک صادق، امام العرفاء آیه‌الله مبرزاً جواد مَلِکی تبریزی می‌گوید:

اوقاتی که در آن ساعت دعا مقبول می‌افتد سه شب قدر از ماه رمضان است و افضل آنها، شب «جهنی» (شب بیست و سوم) آن ماه است.^{۲۵}

د- قرائت قرآن: قرائت قرآن گرچه همواره و در همه حال عملی ممدوح و محبوب و تجدید عهد با پیمان نامه الهی است، ولی ماه رمضان به ویژه روزها و شبهای قدر، بسیار توصیه شده است. چرا که بهار قرآن است.

تلاوت آیات و حیاتی، هنگامی ارزش مضاعف می‌یابد که خواننده به مفاهیم آن توجه کند و در معانی کلمات دقیق شود. و در پیام آیات تدبیر نماید. نیز همزمان با قرائت، معانی آن را در ذهن به تصویر کشد و تجسم بخشد و روح خود را به آن عرضه کند؛ خود را مخاطب مستقیم خدای رحمان بداند و در برابر آن تسلیم شود و به قصد تعبد و محض بندگی آن را بخواند و در دریافت روح معانی قرآن کوتاهی نکند.

۲. ردیلت زدایی

در شبهای قدر به دو چیز باید توجه بیشتر نمود:
یکی سعادت‌مندی و قرار گرفتن در ردیف سعادت‌مندان و انسانهای خوش فرجام، و دوم، دوری از شقاوت و بدبختی و ترک صفات زشت و ناپسند. از این رو است که پیوسته در دعاها و مخصوص شبهای احیاء می‌خوانیم:

و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء و روحی مع الشهداء^{۲۶}

خدایا امشب نام مرا در میان سعادت‌مندان و روحم را با شهدای راه حق قرا ده.

با شرح صدر و گشادن دل و جان درون، درب سعادت به روی انسان گشوده می‌شود. و با بستن درب‌های عجب و غرور و صفات زشت دیگر در شقاوت را می‌توان به روی خود بست. در این مسیر، بهترین راه، رجوع به ضمیر و عقل بیدار و وجدان سلیم است. باید پیوسته نفس را نكوهش کرد و از عملکرد نادرست گذشته اظهار ندامت نمود و تصمیم بر ترک بدی‌ها در آینده گرفت، به خصوص بدیهایی که به ما روحانیان و مبلغان بیشتر روی می‌آورد، همانند عجب و غرور، که بیماری روانی بسیار خطرناکی بوده و عمدتاً گریبانگیر عالمان و خطیبان برجسته و داعیان دینی می‌گردد.

«عُجب» خطرناک‌تر از تکبر و خودپسندی است. عجب، احساس خودکفایی در معنویات و احساس غنا و بی‌نیازی در عرصه خودسازی است؛ با این توضیح که «عُجب یعنی این که

انسان کار نیک خرد را بزرگ بشمارد و چون کار نیکی انجام داده، خودش را آدم نیکی بداند و از آنجا که در انجام وظیفه کوتاهی نکرده در دل خود مباحث کند و خود را سرافراز و از دیگران که کوتاهی کرده‌اند بهتر بداند و قلباً آنها را تحقیر نماید.^{۲۷}

این بیماری روحی آثار و پیامدهای ناگواری در پی دارد و اگر انسان متوجه نفوذ چنین بیماری در روح خود نشود، رفع و دفع آن بسیار مشکل خواهد شد.

مرحوم شیخ عباس قمی می‌نویسد:

از احادیث چنین بر می‌آید که عجب از گناهان ظاهری سخت‌تر است، برای اینکه عجب‌گناه دل است. گناهان ظاهری با توبه از بین می‌رود و عبادات کفاره آنها می‌گردند، اما عجب‌گناه صفتی است نفسانی، هم زایل کردنش مشکل است و هم عبادات را فاسد می‌کند و مضرات بسیار دارد از جمله آنکه:

آدمی را متکبر می‌سازد و گناهانش را از یادش می‌برد و در اثر غرور، خود را از مکر و عذاب خدا ایمن ناند و می‌پندارد که او در پیشگاه خدا مقام و منزلتی دارد.

افزون بر آن، شخص مبتلا به عجب از بس که به رأی و عقل خود، معتقد است از سؤال و استفاده و استشارة دیگران محروم می‌ماند، و چه بسا به رأی نادرست خود، اصرار می‌ورزد.^{۲۸} با نظر به این خطرات و آسیبهای روحی عجب است که امیر مؤمنان علی بن ابی طالب (ع) می‌فرماید:

«سَيِّئَةٌ تَسُوءُكَ خَيْرٌ مِنْ حَسَنَةٍ تُعْجِبُكَ».^{۲۹}

کار نادرستی که تو را ناگوار است و همراه با تنفر انجام می‌دهی، بهتر از کار خوبی است که تو را به عجب و غرور و ا می‌دارد.

و امام جعفر صادق (ع) نیز در این باره می‌فرماید:

عُجْبُ گناهی است که بذرش کفر است و زمینش نفاق، آبش ستم، شاخه‌هایش جهل، برگش گمراهی و میوه‌اش لعنت و خلود در دوزخ است. هر که دارای صفت عجب شود بداند که بذر کفر افشاند و زراعت نفاق کرده و ناچار زراعتش ثمر خواهد داد.^{۳۰}

۳. ایجاد صلح و آشتی بین مردم

اصلاح دادن میان مردم، از توصیه‌های جدی و مؤکد قرآن کریم است که وساطت را در این مسیر عمل شایسته، می‌داند.^{۳۱} و مستقیماً به آن امر می‌کند^{۳۲} در حدی که نجوا و تبادل سخنان

سری و صحبت‌های درگوشی را تنها در موارد خاصی چون صدقه و اصلاح بین ذات جایز می‌داند.^{۳۳} اهمیت در این عمل همین قدر کافی است که دروغ‌گویی در این مقوله جایز است. اصلاح میان چند نفر که با هم فاصله گرفته‌اند، پاداش بی حساب دارد و در زبان پیامبر از انجام نماز و روزه مستحبی ارزشمندتر است؛^{۳۴} به ویژه اگر این عمل شایسته و انسانی در ایام رمضان مخصوصاً در ایام قدر صورت پذیرد، ارزش و اجر و پاداش مضاعفی می‌یابد. آخرین وصیت امیر مؤمنان بر شیعیان در شهبای قدر، شاهد عادل و دلیل زنده بر آن است. اصولاً پنج خصلت پسندیده را باید در ایام قدر زنده کرد. آنها سرآمد صفات ممدوح آدمی‌اند و داشتن این صفات، مستلزم داشتن تمام صفات نیک و ملازم با حقیقت ایمان است. داشتن آنها، نفس را برای کسب تقوا و اصلاح ذات‌البین و اطاعت خدا و رسول آماده می‌کنند. این پنج خصلت به قرار زیر هستند:

۱. تأثیر قلبی از یاد خدا؛ یعنی دل از درون بترسد و تکان بخورد؛
۲. فزونی ایمان با گوش سپاری به قرآن؛
۳. توکل راستین به خدا؛
۴. اقامه نماز؛
۵. انفاق مالی به دیگران و مستمندان.

سه صفت اول، صفت قلبی و از اعمال درون ذاتی است. و دو صفت اخیر، از اعمال جوارح و برون قلبی است.^{۳۵}

قرآن کریم در بیان این صفات ترتیب منطقی را در میان آنها رعایت کرده است:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. (انفال: ۲-۳)

مؤمنان تنها کسانی هستند که چون یاد خدا شود، دل‌هایشان ترسان شود، و چون آیات او بر آنها تلاوت شود، ایمانشان را بیفزاید و بر خدای خویش توکل کنند؛ همانان که نماز را بر پا دارند و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق کنند.

سیره صالحان در شهبای قدر

سیره رسول خدا(ص) سر مشق همه خلائق و حتی اسوه امامان معصوم(ع) بود. آن حضرت در

شبهای قدر، حال و هوای دیگری داشت. امیر مؤمنان علی ابن ابی طالب (ع) در این باره می فرماید:

پیامبر اسلام خود و خاندانش در دهه آخر ماه مبارک رمضان، شب را احیا می کردند (و به خواب نمی رفتند) ^{۳۶}

امام صادق (ع) سیره ایشان را چنین ترسیم می کند:

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ الْأَوَّلِيَّ، شَدَّ الْمُنْزَرَ وَ اجْتَنَبَ النَّسَاءَ وَ أَحْيَى اللَّيْلَ وَ تَسَفَّرَ لِلْعِبَادَةِ. ^{۳۷}

چون دهه آخر ماه رمضان فرا می رسید، رسول خدا (ص) کمر همت می بست و از زنان خود، دوری می جست، شبها را احیا می داشت و تمام وقت به عبادت می پرداخت.

حضرت فاطمه الزهراء (س) نیز چون پدر معصومش، شبهای قدر را احیا می داشت نه تنها خودش، شب زنده دار بود بلکه کو دکان و نوجوانان، خانه را نیز با این سنت آشنا می ساخت و شبهای قدر که فرا می رسید به فرزندان خود، توصیه می کرد غذای کمتری بخورند تا بر اثر پر خوری زودتر به خواب نروند و برای شب زنده داری حال و نشاط بیشتری بیابند. ^{۳۸}

همه ائمه (ع) از این سیره شایسته نبوی و فاطمی، تبعیت می کردند و عالمان و عارفان صادق نیز این سنت را تداوم می بخشیدند؛ برای نمونه حضرت علامه طباطبائی سیره استادش، سید علی قاضی طباطبائی را در شبهای قدر چنین توصیف می کند: روش قاضی طباطبائی این بود، که در ماه مبارک رمضان، ساعت چهار شب در منزل خود، رفقای خود را می پذیرفتند و مجلس اخلاق و موعظه ایشان تا ساعت شش از شب، گذشته، طول می کشیده در دهه اول و دوم چنین بود، ولی در دهه سوم ایشان مجلس را تعطیل می کرد و تا آخر ماه رمضان هیچ کس ایشان را نمی دید. ^{۳۹}

چه بسا به مشاهد مقدس مشرف می شدند و به دور از دید مردم، همچنان به مجاهدت و تزکیه نفس و خودسازی ادامه می دادند.

امام خمینی (ره) نیز به محض طلوع ماه رمضان دیدار رسمی و عمومی با مردم و برخی از کارهای خود را تعطیل می کردند و به تفکرات تنهایی و به دعا و نیایش و عبادت و خودسازی می پرداختند و جان تازه ای می گرفتند و پس از پایان ماه رمضان، با قدرت و توان و تأییدات مضاعف الهی و معنوی، در صحنه سیاست و کرسی قیادت حضور می یافتند.

این روش عالمان شیعی و فقیهان و عارفان سرآمد، ریشه در سیره پیامبر دارد؛ ایشان حتی پیش از بعثت، راهی کوه حرا می شدند و به دور از محیط جهل آلود مردم مکه عزلت می گزیدند؛ به سان حضرت موسی که به کوه سینا به مناجات با خدا می رفت.

آری حضور فعال و مثبت و موفقیت آمیز، در صحنه های سیاسی و اجتماعی و جهاد و انقلاب، حضور عرفانی در محضر معبود را می طلبد تا بدینسان در میدان عمل، قدرت روحی بیابند و بر شیاطین بیرونی ظفر یابند و این وعده صادقانه خداست که:

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ. (عنکبوت: ۶۹)

و آنان که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، قطعاً به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد، و خداوند با نیکوکاران است.

پی نوشتها:

۱. ر.ک: المفردات راغب اصفهانی؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۴۶۶؛ دانشنامه قرآن، بهاء الدین خرمشاهی، ج ۲، ص ۱۶۲۶.
۲. ر.ک: المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۱؛ پرتوی از قرآن، جزء ۳۰، ص ۱۹۸، سید محمود طالقانی؛ مرآة العقول، علامه مجلسی، ج ۱۶، ص ۳۸۰.
۳. برگرفته از پرتوی از قرآن، جزء ۳۰، ص ۱۹۸.
۴. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۷.
۵. ر.ک: تفسیر المیزان، ج ۲۰ و پرتوی از قرآن، جزء ۳۰، ص ۱۹۹.
۶. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۶۷.
۷. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۹۰.
۸. تفسیر البرهان، ج ۴، ص ۴۸۸.
۹. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۵.
۱۰. تفسیر صافی، ج ۲، ص ۸۳۷.
۱۱. برگرفته از پرتوی از قرآن، جزء ۳۰، ص ۲۰۳.
۱۲. تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۸۶، به نقل از تفسیر فخر رازی.
۱۳. المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۱؛ نسیم حیات ابوالفضل بهرامپور، جزء ۳۰، ص ۱۸۹ - ۱۹۰، انتشارات هجرت، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.
۱۴. پرتوی از قرآن، ص ۱۹۷ به نقل از الوافی.
۱۵. همان.
۱۶. ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۷۶۹، چاپ رجا.
۱۷. پرتوی از قرآن، ص ۱۹۶.
۱۸. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۳.

۱۹. ترجمه القنطرة، ج ۱، ص ۴۱۲.
۲۰. همان.
۲۱. همان.
۲۲. همان، ص ۴۱۴.
۲۳. سخنرانیهای راشد، ج ۶، ص ۹۰.
۲۴. در محضر علامه طباطبائی، ص ۳۶۰، محمد حسین رخشاد.
۲۵. المراقبات، میرزا جواد ملکی تبریزی.
۲۶. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، ص ۲۲۴، دار الکتب الاسلامیه.
۲۷. سفینه البحار، ج ۴، ص ۲۰۸؛ سخنرانیهای راشد، ج ۶، ص ۱۱۷.
۲۸. همان.
۲۹. نهج البلاغه، حکمت، ۵۸.
۳۰. سخنرانیهای راشد، ج ۶، ص ۱۱۷.
۳۱. نساء، آیه ۸۵.
۳۲. انفال، آیه ۱؛ سوره حجرات، آیه ۱۰.
۳۳. نساء، آیه ۱۱۴.
۳۴. میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۳۰۸۷.
۳۵. ترجمه المیزان، ج ۹، ص ۱۱.
۳۶. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۱۸.
۳۷. وسایل الشیعه، ج ۷، ص ۲۵۶؛ فروع الکافی، ج ۴، ص ۱۵۵.
۳۸. مفاتیح الجنان، ص ۲۲۱، دار الکتب الاسلامیه.
۳۹. مهر تابان، محمد حسین حسینی تهرانی، ص ۳۷۳، انتشارات صدرا.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی